نظرخواهی

بهترین بازی

سعید راد / بازیگر

انتخاب: دایره مینا

من از علاقه‌مندان به سینمای آقـای مهرجویـی هسـتم اما این مسـاله باعث نمی‌شود که تمامی فیلم‌هایش را دوسـت داشته باشم. به نظرم برخی از فیلم‌های او به قدری از سینمایش دور و متفاوت هستند که گاهی فکر می‌کنم این فیلم‌ها را دستیارانش ساخته‌اند. اما من فیلم «دایره مینا» مهرجویی را از همه فیلم‌هایش بیشتر دوست دارم و فکر می‌کنم از سوپراستارهای حاضر در این فیلم بهترین بازی‌ها گرفته شده است. صرف بازیگرهای درجه‌یک فیلم را مطلوب نمی‌کند بلکه این هنر کارگردان است که بتواند از بازیگر بازی درسـت و درمان بگیرد و این اتفاقی اسـت که در دایره مینا به خوبی افتاده است. اینکه یک فیلمساز از فیلمی مانند الماس ۳۳ به سـاخت فیلمی مثل گاو برسد، جای تقدیر فراوان دارد. باید دید تکامل

فکری مهرجویی چگونه بوده که توانسته بعد از فیلم تجاری الماس ۳۳ فیلم‌های دایره مینا، پستچی و گاو را بسـازد. البته در برخی از فیلم‌ها مهرجویی نتوانسـته دوباره تکرار موفقیت کند و تصور اینکه فیلمسـاز کارهایی مانند مهمان مامان یا میکس همان کارگردان قبلی اسـت کمی سخت به نظر می‌رسد. مهرجویی جزو سینماگران مولف است و پدیده‌ها و مشکلات اجتماعی را به خوبی در دایره مینا به تصویر می‌کشد و معیار فکری روشنفکران زمان خود را به وضوح نشان می‌دهد. در هر صورت مهرجویی جزو اسـتادان و نوابغ سینمای ماست و من به احترام او کلاه از سر بر می‌دارم.

استفاده از جادوی سینما

روبرت صافاریان

انتخاب: لیلا و اجاره‌نشین ها

برای کسـی کـه علاقه‌مند به سـینمای مهرجویـی باشـد، انتخـاب یک یـا دو فیلـم از سـینمای او کار دشـواری اسـت. اما شـاید اگر ذهنم را معطوف به سینمای پس از انقلابش کنـم، به نظرم فیلم‌های «لیلا» و «اجاره‌نشین‌ها» را بیشتر دوست دارم. فکر می‌کنم این دو فیلم از فیلم‌های دیگر او شاید بهتر است و مشکلات کمتری دارد. هر چند به نظر من کلا در فیلم‌های داریوش مهرجویی به مشکل کلان چه از لحاظ ساختار و چه از لحاظ تکنیک برنمی‌خوریم. اما «لیلا» و «اجاره‌نشـین‌ها» از نظر من فیلم‌های خوب و خوش‌ساخت‌تری محسوب می‌شوند. مثلا در فیلم «لیلا»، مهرجویی از حکایت سـاده‌ای که بعدها دستمایه بسـیاری دیگر از آثار قرار گرفت، اسـتفاده کرد. فیلم‌های بعـدی دیگران هیچ‌کدام جایگاه «لیلا» را کسـب نکردنـد. او با بهره‌گیری از فضاسـازی‌های بصری، روشن و تاریک صحنه، موسـیقی (و به ویژه آهنگ دلنشین «بهشت یاد» از علیرضا افتخاری) و نیز فـراز و فرود دراماتیکی که با واگویه‌های شخصیت اصلی پیوند می‌خورند، موقعیتی

که در آن آدم‌ها بهای فردیت خویش را می‌پردازند و قرار است مسوولیت اختیارات و تصمیمات خود را در حـوزه‌ای از آزادی وجـودی خویش بر دوش بگذارند و عواقـب آن را تحمل کنند. فیلم «لیلا» یک نمونه درخشـان از کاربرد تمهیـدات فنی و زیبایی‌شناسانه مختلف برای غنابخشی به درونمایه درام است و در واقع بیشترین ارزش خود را از نحوه اجرا و پرداخت کسب می‌کند.

مهرجویی به غیر از اسـتعداد فیلم‌سازی در سطح اسـتاندارد این درک را دارد که در جامعه ما نباید پا پس کشید، باید با مردم و جامعه تعامل داشت، بده بستان داشت، گفتمان و کار کرد. این خصلت جامعه ماست که نباید در آن پا پس کشید. حتی اگر جامعه‌ای کامل نباشد، این وظیفه فیلمساز است که جامعه ما را با سـاخت فیلم به سـمت کمال و درستی سوق دهد.

خصیصه اصلی مهرجویی این است که با سماجت سعی در ساخت فیلم و تغییر دارد، او به این نتیجه رسـیده اسـت که اگر دیگران سـد راه می‌شوند، او با جادوی سـینما هدفـش را منتقل کند و این همان خصیصه بسیار خوبی است که متاسفانه در فیلمسـازهایی با قد و قامت مهرجویی کمتر دیده می‌شود.

چند نکته درباره فیلم «گاو»

۴۳ سال و همچنان دوست‌داشتنی

■ نمی‌توان به راحتی از کنار فیلم گاو گذشت، از این جهت که اگر این فیلم را «امام خمینی» (ره) در تلویزیون نمی‌دیدند به راحتی سـینمای بعد از انقلاب هم ردیف واژه فساد و فحشا و از مسیر هنری ایران حذف می‌شد. جملـه تاریخی مرحوم امـام هنوز هـم در یادها مانده اسـت که «من غالبا فیلم‌هایی که خود ایرانی‌ها درست می‌کنند، به نظر بهتر از دیگران اسـت، مثلا فیلم گـاو آموزنـده بود.» (صحیفه نور، ج۹، ص۲۶۵) و همچنین در حالی که سـینماها آتش زده می‌شدند، گفته‌اند: «ما نمی‌گوییم سـینما اساسا بد اسـت. نظیر فیلم «گاو» می‌تواند فیلم فرهنگی و آموزنده‌ای باشـد و فکر و روح بیننده را تعالی دهد.»

■ فیلـم گاو به نوعی در سـال ۱۳۴۸ منکر تمامی ادعاهای پیشـرفت دولت آن زمان می‌شد و به نوعی بار سیاسی هم داشت به طوری که در سال ۲۰۰۹ به عنوان اولین فیلم سیاسی ایران از سوی فارن پالسی انتخاب شد. پیشنهاد ساعدی برای ساختن فیلمی از روی داستان گاو، مهرجویی را به فکر فرو می‌برد. بازیگران تئاتری و توانای نمایش «چوبه دست‌های ورزیل» به یاری او می‌آیند تا اولین بار فیلم را در سـال ۴۸ در جشن هنر به نمایش درآورد.

■ «گاو» بعد از ساخته شدن در رای‌گیری منتقدان سـینمای ایران در سـال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۶۷ و ۱۳۷۸ به عنـوان بهترین فیلم تاریخ سـینمای ایران برگزیده شـد. وزارت فرهنـگ و هنر آن زمان علاقـه‌ای به این فیلم ندارد و پنهان هم نمی‌کند. در جشنواره فیلم‌های سـینمای ایران با اکراه جایزه می‌دهد و به نوشته تاریخ، سـینمای ایران جمال امیـد در برابر فیلم قیصر مردود می‌شود. مانع حضورش در جشنواره‌ها می‌شوند هرچند اولین حضورش، اولین حضور فیلم ایرانی در جشـنواره ونیز در سـال ۱۹۷۱ بود که با اسـتقبال فراوان روبه‌رو می‌شـود. در همان سـال به گمان منتقـدی ایتالیایی فیلم گاو از فیلم دودسکان اکیراکوروساوا بهتر بود و تام میلن در ابزرور نوشت: «فیلم ایرانی گاو را فیلمی پخته، هوشـیارانه و سرشـار از زیبایی یافتم.» جووانی رابونی منتقد روزنامه اوونیر نیز گاو را کشف دوباره ایران نامید که با وجود نداشتن بروشور و زیرنویس درباره‌اش نوشت: «فیلمبرداری خوب، نورپردازی آگاهانه و میزانسن‌های دقیق همـه و همه می‌توانسـتند تم احساسـی و گاه به شـدت فلسـفی فیلم را القا کنند.» مهرجویی در آن دوره جشنواره مورد استقبال لوکینو ویسکونتی، ویتوریا دسیکا و فدریکو فلینی قرار گرفت. تعداد نقدها زیاد بود و فیلم جایـزه مجمع بین‌المللی منتقدان فیلم را از آن خود کرد. این فیلم در جشنواره‌های کن، برلین، مسکو، لندن، لس‌آنجلس و دیگر نقاط به نمایش درآمده است. در همین سال عزت‌الله انتظامی برای بازی درخشان خود جایزه نخسـت بازیگری را از جشنواره شیکاگو دریافت کرد. فیلم تنها یک هفته در سـینما کاپری بین فاصله فیلم‌ها روی پرده می‌رود.

■ هوشنگ کاووسی، منتقد مشهور، در سال ساخته شـدن فیلم گاو، در روزنامه کیهان می‌نویسـد: «فیلم مهرجویی را که تماشـا می‌کنم، آن را در فضای غنی و گسترده صمیمی می‌یابم و اندیشه‌هایش را که با مرکب نور بر پرده سینما نوشته می‌شود، با چشم روح می‌خوانم و به خاطـر راسـتگویی‌هایش به او تبریـک می‌گویم و با صمیمیتی که فیلمش به ما می‌آموزد، دسـتش را می‌فشـارم. «گاو» فیلمی اسـت در یک‌قدمی یک اثر فوق‌العاده.

■ فریدون رهنما چنین می‌نویسد: «دور از راه و رسم فیلم فارسی است. / دور از ملودرام‌های به ظاهر تراژدی، دور از امر و نهی موعظه به ظاهر اجتماعی / نسخه سوم و چهارم یک فیلم غربی یا وصله‌ای از چند فیلم نیست / فقط معرکه‌گیری نیست / اندیشه در کار است و از همه مهم‌تر کوششی. تا مقام تصویر و در نتیجه مقام سینما تنزل تا آنجا که ممکن باشد، نکند/ دور از تخدیر است/ به شکل‌های امروزی کار تهیه فیلم مستقل یا آزاد جهان نزدیک تراست.»

■ دوایی دو نقد می‌نویسد یک‌بار با عنوان «دریچه‌ای دیگر به سوی نور»: «اقبالی که عامه مردم به تماشای گاو نشـان می‌دهند، این صف طویل که پشت گیشه درست شـده و... فـروش گاو دور از هرگونه مته به خشـخاش گذاشتن و انتقاد و از این جور حرف‌ها می‌تواند عامل مهم دیگری برای تحرک دادن به سینمای ما و راه انداختن این سینما در جهتی سوای سینمای تجاری فارسی باشد/فیلم گاو از دنیای نویسنده که مرگ و نکبت و وحشت و انتظار عقیم و پوچی را طی هشـت قصه گسترده است فاصله می‌گیرد.» هرچند این منتقد در نقد بعدی خود با عنوان «گاو هنوز سینمای مولف نیست» می‌نویسد: «شاید زمینه برای نمایش و القای جهان‌بینی خاص فیلمسـاز مساعد نبوده. شاید توقع زیادی بوده باشد، ولی ما حق داریم که از سینمای خوب خودمان غیر از استادی در بیان و تسلط بر وسایل بیان سینما، ... انتظار داشته باشیم.»

■ پرویز نوری می‌نویسـد: «خوشـحالم وقتی فیلم تمام شد جمعیت تماشاچی در سالن بی‌اختیار به کف زدن پرداخت و سپاسگزاریم از سانسور (گیریم با اندکی دستکاری و بردن زمان داستان به ۴۰ سال قبل) که به فیلم اجازه نمایش داد.»

■ برخـی هم پس از نمایش فیلـم «زوربا» در ایران گفتنـد مهرجویی تحت تاثیر آن بوده که مهرجویی آن را نادرست دانست.

■ ایرج پزشکزاد هم در عین حال به بررسی آن فیلم پرداخته اسـت. اما علی شعبانی از مخالفان فیلم است که هم به اکران و هم به حضور فیلم در جشـنواره‌های خارجی اعتراض می‌کند و می‌نویسد که پشت دستش را داغ کرده فیلـم ایرانی نبیند و ادامه می‌دهد: «همان صداهـای ناهنجار فیلم گاو و همان فریادهای اعتراضی حیف دوتومان و سه تومان که تماشاچیان در پایان فیلم نثار تهیه‌کنندگان می‌کنند برای هفت پشت آنها کافی است.»

تصویرگر نکات کانونی

احمد میراحسان

انتخاب: میهمانی مامان

مهرجویـی در اسـتمرار حضـورش فیلم‌هایی سـاخته که همیشـه در جامعه ما مهم بـوده و نکات کانونی جامعه ما را به تناسـب زمان نشـان می‌داده و برخی از آنها ماندگار شده است. اینکه ما همیشه بخواهیم یک فیلمساز فیلم‌های جاودانه بسازد قابل قبول نیست. وقتی ما یک فیلم ماندگار مثال می‌زنیم منظورمان نیسـت کـه در جهان هم ماندگار اسـت امـا مهرجویی فیلم‌هایش را با ویژگی هر دوره می‌سـازد. به همین دلیل شاید بشود که همیشه در هر دوران فیلم‌های شاخصی را از مهرجویی مثال زد. حتی در فیلم‌های عصر حاضر فیلم‌های محبوبی مثل «مهمان مامان» وجود دارد که باارزش است. منتها در میان همه اینها به نظر من «گاو» فیلم بی‌بدیلی به لحاظ موقعیت و محتواست و با خودش بسیاری از چیزهایی را که متعلق به سینمای خلاق و مبتکر است به همراه دارد و بنای سینمایی را گذاشت که کم‌سابقه بود و بر مبنای این شـالوده توانست یک روند مستمر را به وجود آورد. به این ترتیب من هیچ فیلم دیگری را هم‌اهمیت «گاو» نمی‌بینم هرچند که در تمام دوران فیلم‌های ماندگاری از مهرجویی می‌بینیم. جامعه‌ای مثل ایران انقطاع مهم‌ترین ویژگی آن است. طی یک قرن اخیر ما مدام با عدم استقرار و استواری روبه‌رو بودیم و کلیت جامعه ما با این بحران روبه‌رو اسـت. این بحث‌ها در حوزه فرهنگ هم سابقه داشته است. افراد بعد از یک اثر برجسـته محو شده‌اند، در چنین جامعه‌ای وجود یک پدیده پایدار بسـیار ارجمند است. این پدیده‌ها مبین وجه پیشرو و سازنده فرهنگ هستند. مهرجویی از این دست افراد است. افرادی مثل ابراهیم گلستان با وجود استعداد بسیار بی‌همتا دسـتخوش این انقطاع می‌شود و همین‌طور امیر نـادری و... مهرجویی با وجود تمام فراز و نشیب‌ها پایداری شبیه به کیمیایی دارد. من به سینمای کیمیایی هم احترام می‌گذارم اما سـینمای مورد علاقه‌ام سینمای مهرجویی است و ارتباط پیوسته‌ای را با آن برقرار کـرده‌ام. برخلاف روحیه هیجان‌زده‌ای که در نقد ما وجود دارد، غالبـا رخدادهـای تازه باعث می‌شـود که روندهای مسـتمر از یاد برود، اما من فکر می‌کنم که مهرجویی در سینمای ایران جایگاه شاخصی دارد.

ادامه از صفحه ۹

از آسمان «هامون» تا زمین «نارنجی‌پوش»

در نسخه اولیه فیلم که در جشنواره فیلم فجر نمایش داده شده بود، ریاضیدان برجسته به ایران برمی‌گشـت و در کنار همسـرش جارو به دست می‌گرفت، اما در نسخه‌ای که این روزها به نمایش درآمده اسـت، نمای پایانی تغییر کرده و او تنها بر بالین همسرش حاضر می‌شود و کودک را که همه فکر می‌کردند از ایران برده اسـت، برمی‌گرداند. در نسخه فعلی سـوگیری کارگردان اندکی کمرنگ شده اسـت، اما با تعصبی که نسبت به شخصیت اصلی فیلمش دارد، خود به خود تماشاگر با او همراه می‌شود و کارهای او را تایید می‌کند، حتی وقتی که جنبه‌ای اغراق‌آمیز به خود می‌گیرد.

اغراق و بزرگ‌نمایی

در «نارنجی‌پوش» شخصیت اصلی فیلم یعنی «حامد بهداد» شـخصیتی اغراق‌آمیز است. شاید بتوان گفت استفاده از بهداد که ظرفیت بازی‌های اغراق‌آمیـز را دارد، چنین ویژگـی‌ای به فیلم داده است، اما تاملی در فیلم‌های دیگر مهرجویی نیز نشان می‌دهد که اغراق یکی از ویژگی‌های شخصیت‌های اصلی فیلم‌های اوست. در کمتر فیلمی از او می‌توان شخصیتی طبیعی را به عنوان شخصیت اصلی فیلم پیـدا کرد. هامون یکی از شـخصیت‌های ماندگار سینمای ایران همین ویژگی را دارد. علی سنتوری در سنتوری نیز همین خصلت را دارد. همچنان که به نظر می‌رسد، ظرفیت معناسازی‌های متنوع یکی از خصلت‌هایی اسـت که به دلیل تکرار در بیشتر فیلم‌های مهرجویی، نمی‌توان آن را اتفاقی ارزیابی کرد، این شـخصیت‌های اغراق‌آمیز و غیرطبیعی نیـز نمی‌تواند به صـورت اتفاقی بر پرده سـفید سینما شکل گرفته باشد و پشتش باید ذهنیتی را جست‌وجو کرد که ساختن چنین شخصیت‌هایی را در سینمایش ضروری می‌داند.

او گاهی در نماهایی از فیلم‌هایش اشـاره‌ای به آگاهانه بـودن این اغراق‌هـا دارد. در نارنجی‌پوش دقت در دیالوگ‌های حامد بهداد با دیگران، در واقع پاسخی است به این نوع نقدها، ولی در سنتوری او پاسخی فنی‌تر به این موضوع داده است. از میانه‌های فیلم که علی سنتوری گرفتار می‌شود و مهرجویی شـروع می‌کند به ارایه تصویـری اغراق‌آمیز از او و مشکلش. در نمایی کوتاه کتابی را افتاده در گوشه‌ای از اتاق علی سنتوری می‌بینیم. یکی از این کتاب‌های کوچک نشر مرکز است که مفاهیم ادبی و فلسفی را توضیح داده‌اند. نام کتاب «ناتورالیسم» است.

مردی که متوقف نمی‌شود

سیروس الوند

انتخاب: گاو، هامون، دایره مینا

به نظر من داریوش مهرجویی سه فیلم شاخص دارد. اول فیلم «گاو» که به لحـاظ محتـوا و اجرا فیلم شاخصی محسوب می‌شـود. این فیلم در نیمه دوم سـال ۱۳۴۰ پتانسیل زیادی برای تغییر سینما داشت. شاید اگر حالا فیلم «گاو» ساخته می‌شد، به تاثیرگذاری اینچنینی خود نمی‌رسید، اما در هر صورت «گاو» یکی از نمادهای تغییر در سـینمای ایران بود.

کار شـاخص بعدی مهرجویی از نظـر من «دایره مینا» اسـت. این فیلم اجرای قـوی دارد و به نظر من یکی از بهترین فیلم‌های مهرجویی محسوب می‌شود. بازی همه بازیگران و فضاسـازی فیلـم کار فوق‌العاده است. فیلم بعدی او «هامون» است که فیلم مشهوری اسـت. این فیلم بـه دلیل بداعت موضـوع و طراحی شـخصیت اصلی یعنی حمید هامون کاری تازه و نو محسوب می‌شود؛ شخصیتی که تا آن روز در سینما از او صحبت نشده بود. با اینکه بن‌مایه داستان هامون به لحاظ نوع رابطه میان آدمی از طبقه متوسط و دختری از طبقه مرفه ارایه شـد شاید تکراری به نظر برسد اما اجرای داریوش مهرجویی در شخصیت حمید هامون با بازی خسرو شکیبایی و مهشید با بازی بیتا فرهی که اولین بازی او به نظرم بهترین بازی او محسوب می‌شود همه اینها این فیلم را تبدیل به یک فیلم شاخص و ویژه می‌کند. اما انتخاب من از میان این سـه فیلم «دایره مینا» خواهـد بود. مهرجویی اهل مطالعـه ادبیات و فلسفه اسـت و اینها را خوب می‌داند. فردی است که ارتباطش با مقوله هنر و نمایش قطع نمی‌شود. ترجمه می‌کند، فیلمنامه می‌نویسد. البته فیلمسازی زیاد هم خوب نیست، چون ممکن است همیشه امکان ساخت فیلم خوب وجود نداشـته باشد. شاید به همین دلیل است که در کارهای اخیر آقای مهرجویی کارهایی دیده می‌شـود که شاید در اندازه او نباشد. ولی ویژگی خود مهرجویی آن طراوتی اسـت که در شخصیت او وجود دارد. آقای مهرجویی همیشـه مثل یک جوان فعال و باطراوت اسـت و اصلا اهل یاس و ناامیدی نیسـت. از آنهایی اسـت که وقتی یک کار را تمام می‌کند به کار بعدی خودش فکر می‌کند سرنوشـت این کار هرچه باشد در فیلم بعدی او تاثیری نمی‌گذارد. توقیف فیلم هم او را متوقف نمی‌کند. این ناملایماتی که در کار ما وجود دارد خیلی‌ها را منفعل و از انگیزه خالی می‌کند ولی آقای مهرجویی همیشـه انگیزه دارد و شخصیت اکتیـو و فعالـی دارد و ناملایماتی که در کار ما چه به لحاظ سـرمایه و چه به لحاظ ممیزی وجود دارد او را متوقف نمی‌کند. جریان فیلمسازی در ایران همیشه با دردسـر همراه بوده است اما همه اینها در شخصیت و کار مهرجویی کمتر اثر می‌گذارد.

تبدیل کنش ساده‌ای به اتفاق

همایون اسعدیان

انتخاب: دایره مینا

خیلی سخت اسـت که بخواهیم از میان فیلم‌های فیلمسـازی که از پیـش از انقـلاب تاکنـون آثار درخشان فراوانی داشته، تنها یک فیلـم را انتخاب کرد چرا که مهرجویی فیلمسـازی اسـت که در مسیر کار خود کمتر دچار اشتباه شده و بی‌تردید می‌توان گفـت او از کارگردان‌های کاربلد سـینمای ماسـت. اما اگر قرار باشـد به تفکیک از فیلم‌های او سخن به میان آورد، من از میان فیلم‌های قبـل از انقلاب او بـه «دایره مینا» اشـاره می‌کنم. مهرجویی پـس از فیلـم «گاو»، فیلم‌هـای «دایره مینا» و «پسـتچی» را ساخت که هر دو اثر نیز جزو اقتباس‌های ادبی بود. فیلم «پستچی» با الهام از نمایش «ویتسـک» نوشـته «کارل گئورگ بوشنر» ساخته شـد و «دایره مینا» نیز اقتباس دوم مهرجویی از آثار سـاعدی بود که به عنوان نماینده ایران به اسکار راه پیـدا کرد. اما با دقت بیشـتری که به آن نگاه کنیم، می‌فهمیم که کار دسـت یک اسـتاد هنرمند است. مهرجویی به جایی رسیده که ساده‌ترین کنش‌های روزانه اطراف ما را به صورت یک اتفاق بزرگ به تصویر می‌کشد و این مرحله‌ای است که بزرگ‌ترین استادان تاریخ سینما، از بیلی وایلدر گرفته تا دیوید فینچر، به آن رسـیده‌اند. نکته مهم دیگر درباره مهرجویی این اسـت که او کاملا به آنچـه در فیلم‌هایش می‌گوید، ایمان دارد. به سینمای مهرجویی کم ظلم نشد. شاید هر کارگردان دیگـری غیر از مهرجویی چنین مورد ظلم قرار می‌گرفت، عطـای کارگردانی را به لقایش می‌بخشـید. اما مهرجویی به طرز پارادوکسـیکالی پس از مشـکل پیش‌آمده برای سـنتوری، پرکارتر هم شده اسـت. اما مساله جالب اینجاست که وقتی به «سـنتوری» نگاه کنیم، علت این پرکارتر شـدن مهرجویی را هم می‌فهمیـم. جایی که علی در مقام راوی پس از اشاره به مشکلاتی که بر سر راه او و مجوز آلبوم‌هایش به وجود آورده‌اند، می‌گوید به کوری چشم همه هم که شده مدام فعالیت موسیقی‌اش را بیشتر می‌کند. داریوش مهرجویی هم با این کارش علاوه بر اینکه بر خلاف دیگر روشنفکران، به جای انزوا خودش را مدام در میانه میدان نگه می‌دارد، باز هم تعهدش را به آنچه در آثارش بیان کرده، نشان می‌دهد. مهرجویی از کارگردان‌هایی اسـت که با زور بازوی خودش جلو آمده و در یک دوره درجا نزده است.

جدول ۱۴۸۷

افقی:

۱ - قطار شـهری - تمـام دارایی ۲ - مهر معروف - پـول آلمان - ناطق ۳ -شـب‌های قدر - پدر - اصطلاحی در ورزش کشتی ۴ - مسـابقه اتومبیلرانی - شاعر و ادیب سیاهپوست آمریکایـی و خالق اثر «شـیپور خدا» - ام‌البشـر - یک ورق کاغـذ ۵ - پایتخت آنگـولا - ازاقلیت‌های مذهبی ۶ - مخفی - معلم مقطع متوسـطه - جهت ۷ - سـطح - حجرالاسود - بزرگوار ۸- کلمه‌ای برای تاکید - نوشـتن ۹ - بست - شهری در ترکیه - باران ریزه ۱۰ - رودشـولوخف - روز آخر هفته - اسرار ۱۱ - صداهـا - دارایی کسـی ۱۲ - گرداگرد لب و دهان - پرحرارت - کوچ کردن - شـکل و قالب ۱۳ - شهر فارس - بزرگواری - صید ۱۴ - نشیمنگاه خانه - پست فطرت - به کمال رسـیدن ۱۵ - کشـور انگلستان - هافبک آنگولا در جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان

عمودی:

۱ - خرمافروش - مرکز کشـور چک - موقع افت فشار می‌خورند ۲ - نام مادر حضرت یوسف - مولود - پوشاننده ۳ - مخترع برق - جوان - همنشـین برهمن ۴ - مخفف من‌را - آرام و یواش - راستی ۵ - حرف پیروزی - نان کلفت - پاسـخ ۶ - آدم بی‌عار - بینی - هرگز نه عرب ۷ - نقطه شـروع - دین و مذهب - چیز ۸ - کوبنده خانگی - محل ورود - سـودای ناله - خواب شـیرین ۹ - محرمانه - میـراب - چنین پایه‌ای هرگز فرو نمی‌ریزد ۱۰ - تنها - هم پیشـه - طلب بیگناهی ۱۱ - تمدنی خاک شده - کامـل کردن - حرف فاصله ۱۲ - دلواپس - بی‌بهره - نظیـر ۱۳ - زادگاه نیما - سـمت چپ -جمع زلف ۱۴ - بسیار روان - کندن و دور ریختن گیاه‌های هرزه - بزرگی ۱۵ - تازیدن - خرگوش - فیلسوف فرانسوی

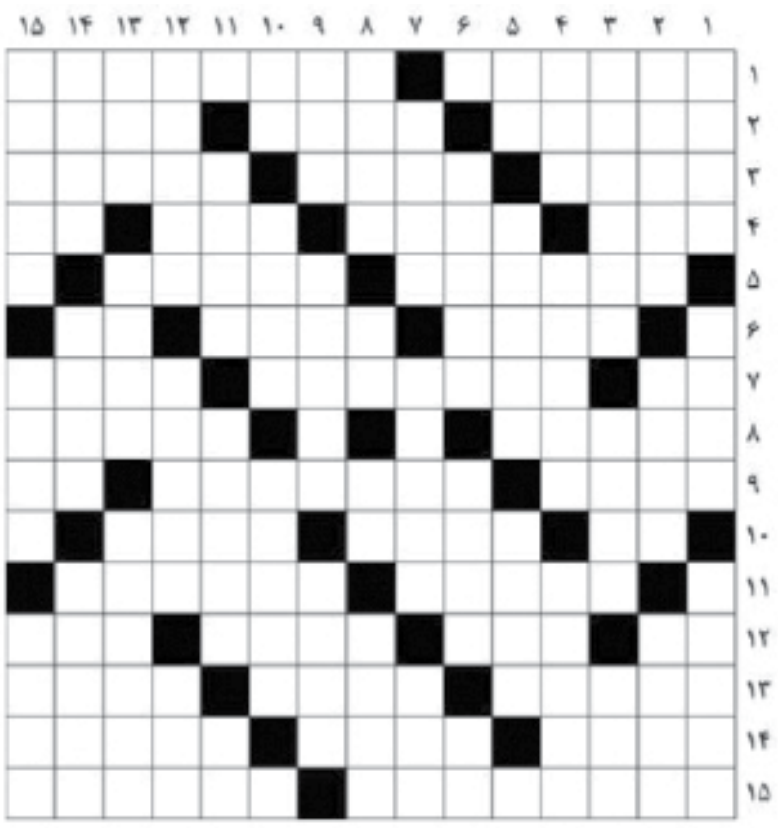

حل جدول ۱۴۸۶

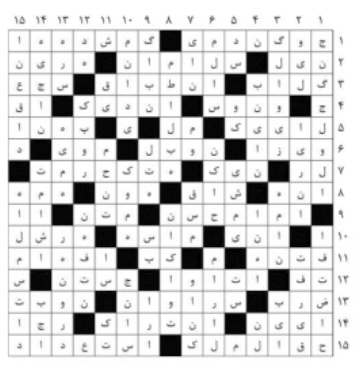

سودوکو ۴۹۰

				۶	۳	۵	۸	۹
		۸		۱		۶	۲	۴
			۴	۵		۱	۷	۳
	۳		۵		۲	۷		۶
۷		۹	۱		۶			۵
۴					۹	۲		۸
۵			۳	۹		۴		
۹					۴	۸		۲
۶		۷		۲				

حل سودوکو ۴۸۹

۳	۸	۵	۷	۱	۹	۴	۲	۶
۱	۹	۶	۴	۸	۲	۳	۵	۷
۲	۴	۷	۵	۶	۳	۱	۸	۹
۹	۷	۱	۶	۳	۸	۵	۴	۲
۸	۵	۴	۲	۹	۷	۶	۳	۱
۶	۳	۲	۱	۵	۴	۷	۹	۸
۷	۳	۳	۹	۴	۶	۸	۱	۵
۴	۱	۹	۸	۷	۵	۲	۶	۳
۵	۶	۸	۳	۳	۱	۹	۷	۴

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو سخت ۱۳۹

۲	۹	۱	۸					
	۷			۲	۵	۳		
۵			۹		۶	۴		
		۳	۵		۷			
	۵		۴			۶		
۱	۶		۳					
		۹				۲		۷
			۲		۸		۶	
					۴	۸		۱
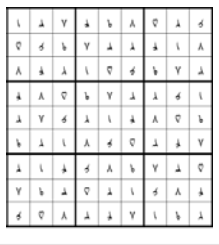
حل سودوکو سخت